



RESEARCH ARTICLE

## Emirati Developmental Governance: Theory and Practice

Saeed Attar<sup>1\*</sup>, Shafiqullah Wahedi<sup>2</sup>, Elham Rasooli Saniabadi<sup>3</sup>, Kambiz Yavari<sup>4</sup>

1. Associate Professor of Political Science, Faculty of Law, Political Science and History, Yazd University, Yazd, Iran

\* Corresponding Author's Email: [s.attar@yazd.ac.ir](mailto:s.attar@yazd.ac.ir)

2. Master of Regional Studies, Faculty of Law, Political Science and History, Yazd University, Yazd, Iran

Email: [shafiqullah828@gmail.com](mailto:shafiqullah828@gmail.com)

3. Associate Professor of International Relations, Faculty of Law, Political Science and History, Yazd University, Yazd, Iran

Email: [rasooli@yazd.ac.ir](mailto:rasooli@yazd.ac.ir)

4. Master of Regional Studies, Faculty of Law, Political Science and History, Yazd University, Yazd, Iran

Email: [kambiz\\_1100@yahoo.com](mailto:kambiz_1100@yahoo.com)

 <https://doi.org/10.22059/jppolicy.2026.106378>

Received: 14 September 2025

Accepted: 23 December 2025

### ABSTRACT

The study of successful governance models in non-Western countries, especially those that have implemented economic development without fully following the prevailing models, has become increasingly important. The United Arab Emirates is a prominent example in this regard, which has taken a different path in governance by relying on a strong political structure, a local federal political system, internal stability and strategic structuring. This article uses the theory of Developmental Governance to analyze Emirati governance and how it adapts to this theory. The findings show that governance in the UAE is consistent with the six principles of this theory, namely problem-solving management, political consensus, corruption management, grassroots governance, strengthening institutions within a pragmatic approach, and finally commitment, coordination, and cooperation; however, there are challenges in the principle of political consensus (in terms of the entry of new actors) and in the principle of strengthening institutions within a pragmatic approach (in terms of the rule of law). The present article is of a fundamental type and the research method used in it is case matching with theory, which uses the approach of document analysis and library studies to examine the main objective of the research.

**Keywords:** Development, Developmental Governance, Governance Model, Theory, UAE.

**Citation:** Attar, Saeed; Wahedi, Shafiqullah; Rasooli Saniabadi, Elham; Yavari, Kambiz (2026). Emirati Developmental Governance: Theory and Practice. *Iranian Journal of Public Policy*, 12 (1), 175-189.

DOI: <https://doi.org/10.22059/jppolicy.2026.106378>

Published by University of Tehran



This Work Is licensed under a [Creative Commons Attribution-NonCommercial 4.0 International \(CC BY-NC 4.0\)](https://creativecommons.org/licenses/by-nc/4.0/)



## مقاله پژوهشی

### حکمرانی توسعه‌گرای اماراتی: نظریه و عمل

سعید عطار\*<sup>۱</sup>، شفیق‌الله واحدی<sup>۲</sup>، الهام رسولی ثانی آبادی<sup>۳</sup>، کامبیز یآوری<sup>۴</sup>

۱. دانشیار علوم سیاسی، دانشکده حقوق، علوم سیاسی و تاریخ، دانشگاه یزد، یزد، ایران

\* رایانامه نویسنده مسئول: [s.attar@yazd.ac.ir](mailto:s.attar@yazd.ac.ir)

۲. کارشناسی ارشد مطالعات منطقه‌ای، دانشکده حقوق، علوم سیاسی و تاریخ، دانشگاه یزد، یزد، ایران

رایانامه: [shafiqullah828@gmail.com](mailto:shafiqullah828@gmail.com)

۳. دانشیار روابط بین‌الملل، دانشکده حقوق، علوم سیاسی و تاریخ، دانشگاه یزد، یزد، ایران

رایانامه: [rasooli@yazd.ac.ir](mailto:rasooli@yazd.ac.ir)

۴. کارشناسی ارشد مطالعات منطقه‌ای، دانشکده حقوق، علوم سیاسی و تاریخ، دانشگاه یزد، یزد، ایران

رایانامه: [kambiz\\_1100@yahoo.com](mailto:kambiz_1100@yahoo.com)

 <https://doi.org/10.22059/jppolicy.2026.106378>

تاریخ دریافت: ۲۳ شهریور ۱۴۰۴  
تاریخ پذیرش: ۲ دی ۱۴۰۴

## چکیده

مطالعه الگوهای موفق حکمرانی در کشورهای غیرغربی، به‌ویژه آن‌هایی که توسعه اقتصادی را بدون پیروی کامل از الگوهای رایج تحقق بخشیده‌اند، اهمیت فزاینده‌ای یافته است. امارات متحده عربی یکی از نمونه‌های بارز در این زمینه به شمار می‌رود که با اتکاء به ساختار سیاسی قدرتمند، نظام سیاسی فدرال بومی، ثبات داخلی و ظرفیت‌سازی راهبردی، مسیر متفاوتی را در حکمرانی طی کرده است. این مقاله با بهره‌گیری از نظریه حکمرانی توسعه‌گرا، به واکاوی حکمرانی اماراتی و نحوه انطباق آن‌ها با اصول این نظریه می‌پردازد. یافته‌ها نشان می‌دهد که حکمرانی در امارات با شش اصل این نظریه یعنی مدیریت حل‌مسئله، آرایش سیاسی، مدیریت فساد، حکمرانی ریشه‌دار، تقویت نهادها در چارچوب رویکردی عمل‌گرا و در نهایت تعهد، هماهنگی و همکاری تطابق دارد؛ هرچند در اصل آرایش سیاسی (در زمینه ورود بازیگران جدید) و در اصل تقویت نهادها در چارچوب رویکردی عمل‌گرا (در زمینه حاکمیت قانون)، چالش‌هایی وجود دارد. مقاله حاضر از نوع بنیادی و روش تحقیق به‌کار رفته در آن تطبیق مورد با نظریه است که با استفاده از رویکرد تحلیل اسناد و مطالعات کتابخانه‌ای، به بررسی هدف اصلی تحقیق می‌پردازد.

**واژگان کلیدی:** امارات، الگوی حکمرانی، توسعه، حکمرانی توسعه‌گرا، نظریه.

**استناد:** عطار، سعید؛ واحدی، شفیق‌الله؛ رسولی ثانی آبادی، الهام؛ یآوری، کامبیز (۱۴۰۵). حکمرانی توسعه‌گرای اماراتی: نظریه و عمل. فصلنامه سیاست‌گذاری عمومی، ۱۲ (۱)، ۱۷۵-۱۸۹.

DOI: <https://doi.org/10.22059/jppolicy.2026.106378>



ناشر: دانشگاه تهران

## مقدمه

امارات متحده عربی یکی از پویاترین کشورهای خاورمیانه است که در دهه‌های اخیر توانسته جایگاه مهمی در اقتصاد جهانی و معادلات منطقه‌ای به دست آورد. این کشور با وجود ساختار سیاسی متمرکز و غیردموکراتیک، در حوزه‌هایی همچون توسعه زیرساخت، جذب سرمایه‌گذاری خارجی، تنوع‌بخشی به اقتصاد و ارتقای شاخص‌های رفاه عمومی، عملکردی موفق داشته است (Gray, 2011). امارات، کشوری کمی بزرگتر از خوزستان است که تجارت غیرنفتی آن در سال ۲۰۲۴، بیش از ۸۱۷ میلیارد دلار بوده (Reuters, 2025)، ۲۷٪ از وزرای کابینه دولت آن، زنان هستند، میزبان دفاتر مرکزی حدود ۷۰٪ از شرکتهای معتبر جهانی و میزبان ۲۴ میلیون توریست بین‌المللی با کمترین جاذبه طبیعی و تاریخی است (Attar & Wahidi, 2025: 13). بهره‌گیری هدفمند از درآمدهای نفتی، همراه با برنامه‌ریزی استراتژیک در سطوح بالا، به دولت امارات این امکان را داده تا در حوزه‌هایی مانند آموزش، سلامت، حمل‌ونقل، و فناوری‌های نوین پیشگام منطقه باشد (OECD, 2022). نکته قابل توجه در تجربه امارات، همزیستی میان ثبات سیاسی مبتنی بر ساختارهای سنتی و روندهای مدرن توسعه است؛ مدلی که در آن نهادهای حاکم با اتکا به اقتدار سیاسی، مسیر اصلاحات را به‌صورت تدریجی و کنترل‌شده هدایت می‌کنند. این ویژگی باعث شده تا این کشور به عنوان نمونه‌ای از حکمرانی با رویکرد بومی، توجه محققان و نهادهای توسعه‌ای را به خود جلب کند (Khan, 2010). در واقع، تجربه امارات پرسش‌هایی اساسی را در مورد نسبت میان الگوهای سنتی قدرت، اقتضائات بومی، و مسیرهای توسعه ملی مطرح کرده است. مقاله حاضر تلاش می‌کند با تمرکز بر چپستی مدل نظام حکمرانی امارات در حوزه توسعه، به تحلیل ابعاد مختلف ساختار حکمرانی در امارات متحده عربی بپردازد و با تمرکز بر ویژگی‌های زمینه‌ای این کشور، مدل خاص آن را در فرآیند توسعه بررسی کند.

## پیشینه پژوهش

در مورد الگوی نظام سیاسی امارات در توسعه کشور، پژوهش‌های زیادی انجام نشده است. با این حال، در این قسمت به برخی از مهمترین این پژوهش‌ها اشاره می‌شود. در ذیل کتابهای مربوط به توسعه امارات، می‌توان به عطار و واحدی (۱۴۰۴) اشاره کرد که در کتاب «توسعه اماراتی: تجربه دولت و بخش خصوصی در توسعه پایدار»، در سه فصل به بررسی اقدامات دولت امارات و ۱۵۰ شرکت بزرگ این کشور در پایدار کردن توسعه امارات پرداخته‌اند. یافته‌های این پژوهش نشان می‌دهد دولت امارات از همان سال ۱۹۹۷ که به پیمان کیوتو (اولین و جامع‌ترین توافق بین‌المللی در حوزه محیط زیست) پیوست زمینه‌های اولیه و لازم برای اجرای تعداد رو به افزایشی از سیاستهای زیست‌محیطی را فراهم کرد و بر بستر همین سیاستها، شرکتهای خصوصی را به اجرای سیاستهای حافظ محیط زیست ترغیب کرد. در ذیل مقالات مربوط به توسعه امارات، می‌توان به عنوان نمونه به چند مقاله اشاره کرد. الحمدی<sup>۱</sup> و همکاران (۲۰۲۴) در مقاله «نقش صنعت ۰۴ در پیشبرد توسعه پایدار: بررسی مورد امارات متحده عربی» به بررسی تلاشهای دولت امارات برای پذیرش فناوری‌های جدید و تاثیر این تلاشها بر فرارگرفتن امارات در مدار توسعه پایدار پرداخته‌اند. برای دستیابی به این اهداف، یک مرور سیستماتیک بر ادبیات با استفاده از پایگاه داده Scopus انجام شده است. فرآیند بررسی شامل تعریف معیارهای انتخاب مرتبط مانند SDG1 تا SDG17 و کلان‌داده و اینترنت اشیا<sup>۲</sup> بررسی ۱۳۸ مقاله و به‌کارگیری روش‌های تحلیل مناسب از جمله تحلیل کتاب‌سنجی و تابع پیوند بوده است. یافته‌های مقاله نشان می‌دهد که جهت‌گیری دولت امارات در کاربست تکنولوژی‌های جدید، نقش مهمی در تحقق اهداف توسعه پایدار به خصوص امنیت غذایی این کشور داشته است. بررسی سایر مقالات انگلیسی نشان می‌دهد که تقریباً تمام این مقالات به استراتژی توسعه این کشور یا سیاستهای دولت‌های محلی در توسعه بخشهای مختلف از آب تا آموزش پرداخته‌اند و در هیچ پژوهشی به الگوی حکمرانی توسعه‌گرا بر طبق این نظریه پرداخته نشده

1 . Alhammadi  
2 . IoT

است. در میان مقالات فارسی نیز، به چند مقاله اشاره می‌شود. بشیری و همکاران (۱۴۰۳) در مقاله «کنکاشی بر الگو و روند توسعه در امارات متحد عربی (با تأکید بر دیدگاه آدریان لفت ویچ)» به این پرسش پاسخ داده‌اند که دولت امارات چگونه بر الگو و روند توسعه در این کشور تاثیر داشته است؟ یافته‌های مقاله نشان می‌دهد که نخبگان حکومتی توسعه‌گرا در کشور امارات متحده عربی توانسته‌اند با برخورداری از استقلال عمل و ایجاد دیوان‌سالاری کارآمد در فضای جامعه مدنی ضعیفی که در آن قرار داشتند، شرایط رشد و توسعه اقتصادی در عرصه داخلی و بین‌المللی را فراهم سازند و با توسعه زیرساخت‌ها به سطح قابل توجهی از توسعه اقتصادی و انسانی دست یابند. عطاردی و ابراهیمیان (۱۴۰۱) در مقاله «محیط زیست و پیمان ابراهیم» به نقش جهت‌گیری‌های کلان در سیاست خارجی دولت امارات در پیشبرد توسعه این کشور پرداخته‌اند. یافته‌های مقاله نشان می‌دهد که پیوستن امارات به پیمان ابراهیم که نتیجه تغییر در سیاست خارجی قدیمی امارات بوده، فرصت‌های زیادی برای کاهش دامنه بحران‌های آب و امنیت غذایی و تحقق توسعه پایدار این کشور ایجاد کرده است. ظهیری و همکاران (۱۴۰۱) در مقاله «بررسی تأثیر ابعاد حکمرانی خوب بر توسعه پایدار کشورهای منتخب (مجموعه کشورهای نفتی اوپک پلاس)» به تحلیل تأثیر ابعاد سیاسی، اجتماعی و اقتصادی حکمرانی بر توسعه پایدار کشورهایی مانند امارات در دوره ۲۰۱۸-۱۹۹۷ پرداختند. سوال پژوهش تمرکز بر تأثیر این ابعاد بر شاخص توسعه پایدار بوده است. نتایج مقاله نشان داد حاکمیت قانون و توسعه انسانی تأثیر مثبت و معنادار، اما ثبات اقتصاد کلان تأثیر منفی معناداری دارد و حکمرانی اجتماعی مؤثرترین بعد بوده است که نشان‌دهنده اهمیت نظام حکمرانی در وضعیت توسعه این کشورها است. صدراپی (۱۳۹۶) در مقاله «درآمدی بر مبانی نظری حکمرانی خوب (بررسی مقایسه‌های وضعیت حکمرانی در امارات و بحرین)» با استفاده از شاخص‌های بانک جهانی و روش کتابخانه‌ای، وضعیت حکمرانی در امارات و بحرین را مقایسه کرده است. یافته‌ها نشان می‌دهد امارات با بهره‌گیری از منابع نفتی و جذب سرمایه‌گذاری خارجی به ثبات سیاسی و رضایت نسبی مردم دست یافته، اما بحرین به دلیل تنش‌های سیاسی و مذهبی با بی‌ثباتی مواجه است که بر عملکرد حکمرانی آن تأثیر منفی گذاشته است. همان‌طور که مشخص است، هیچ کدام از این پژوهش‌ها به بررسی الگوی نظری حاکم بر نظام حکمرانی امارات در فرآیند توسعه این کشور نپرداخته‌اند.

## چارچوب نظری

### نظریه حکمرانی توسعه‌گرا

ظهور حکمرانی توسعه‌گرا در تاریخ تحولات سرمایه‌داری، پدیده‌ای تصادفی نیست بلکه از منطق درونی دولت-ملت نشات می‌گیرد؛ منطقی که مبتنی بر رشد اقتصادی و رقابت در عرصه بین‌المللی است. به تعبیر ارنست گلنر<sup>۱</sup> (1996)، دولت-ملت در تقابل با امپراتوری‌های سنتی و پیشاصنعتی قرار دارد؛ امپراتوری‌هایی که در بستر جوامع کشاورزی با مردمانی عموماً بی‌سواد شکل گرفتند، در حالی که دولت-ملت، ساختاری متعلق به دوران سرمایه‌داری و مبتنی بر شهروند آگاه است که مأموریت آن، پیگیری توسعه اقتصادی از طریق سیاست‌گذاری و تنظیم‌گری مؤثر است (Bresser-Pereira, 2019: 37). پیش از طرح مفهوم حکمرانی توسعه‌گرا، اصطلاح «دولت توسعه‌گرا»<sup>۲</sup> در متون توسعه مطرح شده بود. در مطالعه چالمرز جانسون<sup>۳</sup> (۱۹۸۲) در مورد نقش دولت زاین در فرآیند صنعتی‌سازی و رشد اقتصادی سریع این کشور در سالهای بعد از پایان جنگ جهانی دوم، برای نخستین بار مفهوم دولت توسعه‌گرا مطرح شد. جانسون با تفکیک میان مداخله عادی دولت و مداخله هدفمند معطوف به توسعه، بر نوع خاصی از دولت تأکید می‌کند که با دیوان‌سالاری کارآمد، تعامل فعال با بخش خصوصی، و سیاست‌های صنعتی هدایت‌شده، به طور مستقیم در پیشبرد اهداف توسعه‌ای نقش ایفا می‌کند (Department of Planning, Monitoring and Evaluation, 2017). از نظر جانسون، دولت توسعه‌گرا دارای ویژگی‌هایی چون حمایت از صنایع داخلی، تسهیل واردات فناوری، کنترل نرخ ارز، ارائه مشوق‌های

1 . Ernest Gellner  
2 . Developmental State  
3 . Chalmers Johnson

موقتی، ایجاد نهادهای مالی دولتی و تقویت زیرساخت‌های علم و فناوری است. در سطح کلان، چنین دولتی باید رشد اقتصادی را اولویت دهد، در بازار مداخله‌ای محدود اما هدفمند داشته باشد، از سیاست اقتصادی فعال پیروی کند و از حمایت یک ائتلاف طبقاتی توسعه‌گرا برخوردار باشد. الگوی کره جنوبی در دهه‌های ۱۹۶۰ تا ۱۹۸۰ نمونه‌ای بارز از این نوع دولت است؛ دولتی که از طریق سیاست‌های حمایتی هوشمند، مداخلات مالیاتی و پولی، و کنترل سرمایه و تجارت خارجی، مسیر صنعتی‌شدن و توسعه پایدار را با موفقیت طی کرد (Bresser-Pereira, 2019: 38-39). در سال‌های پس از فروپاشی شوروی و موج‌های جدید دموکراسی خواهی، طیف دیگری از مباحث در ذیل ادبیات دولت توسعه‌گرا مطرح شد؛ مطالعاتی که تلاش می‌کردند تا مفهوم دولت توسعه‌گرا را به سطح حکمرانی یعنی شکلی از برقراری نظم با محوریت همکاری دولت، بخش خصوصی و جامعه مدنی ارتقاء دهند (Lane, 2019: 625). در سالهای دهه ۱۹۹۰، ابتدا نظریه «حکمرانی خوب» (در گزارش سال ۱۹۹۲ بانک جهانی با عنوان «حکمرانی و توسعه») مطرح شد که می‌خواست ضمن تلفیق آرمانهای دموکراسی با خواست‌های توسعه‌ای، شکلی از دولت توسعه‌گرای دموکراتیک را تجویز کند. حکمرانی خوب به مجموعه‌ای از مکانیزم‌ها، فرآیندها و نهادهایی اطلاق می‌شود که به شهروندان و گروه‌های اجتماعی امکان می‌دهد منافع خود را بیان کنند، حقوق قانونی‌شان را اعمال نمایند، به تعهداتشان پایبند باشند و اختلافات خود را حل و فصل کنند. بانک جهانی، شش شاخص کلیدی را برای تحقق حکمرانی خوب مشخص کرده است: پاسخگویی، ثبات سیاسی، اثربخشی دولت، کیفیت مقررات، حاکمیت قانون و کنترل فساد (Rahman, 2016: 46). نظریه «حکمرانی توسعه‌گرا»<sup>۳</sup> از درون نقدهای مطرح شده به نظریه حکمرانی خوب بیرون آمده است. این نقدها عمدتاً بر ناکارآمدی توصیه‌های نهادی غرب‌محور به ویژه از سوی سازمان‌هایی چون بانک جهانی و صندوق بین‌المللی پول در حل مسائل کشورهای در حال توسعه متمرکز است. به عنوان نمونه، مشتاق خان<sup>۴</sup> و دیوید بوث<sup>۵</sup> معتقدند شاخص‌هایی مانند شفافیت، دموکراسی، مبارزه با فساد و پاسخگویی که در نظریه حکمرانی خوب مطرح شده‌اند نه ضرورتاً در مرحله حرکت به سمت توسعه می‌توانند به پیشبرد توسعه در همه جوامع در حال توسعه کمک کنند و نه الزاماً پیش‌شرط‌های توسعه هستند. این شاخص‌ها عمدتاً نتیجه موفقیت در توسعه هستند یا در مراحل بعدی توسعه، ظاهر می‌شوند (Booth, 2011: 8). نظریه حکمرانی توسعه‌گرا، تلاشی برای ایجاد یک صورت بندی نظری بود که در آن ضمن توجه به اهمیت مشارکت جامعه در فرآیند توسعه، از آسیب‌های دموکراسی خواهی نابهنگام برای فرآیند توسعه ملی پرهیز شود. به عبارت دیگر، حکمرانی توسعه‌گرا مفهومی نزدیک به مدیریت توسعه‌ای است که برای تحلیل فرآیند توسعه در کشورهای در حال توسعه با تمرکز بر ارائه راهکارهای سیاستی مطرح شده است (Levi-Faur, 2012). گنت، مدیریت توسعه‌ای را شاخه‌ای از مدیریت عمومی می‌داند که هدف آن اجرای سیاست‌ها و برنامه‌هایی با هدف بهبود وضعیت اجتماعی و اقتصادی است (Gant, 2006). با بررسی متون موجود در مورد نظریه حکمرانی توسعه‌گرا، می‌توان گفت که این نظریه بر محور شش اصل بنا شده است:

**حل مسئله به جای تبعیت از استانداردهای آرمانی:** در این نظریه تأکید بر «حل مسئله»<sup>۶</sup> است نه پیروی صرف از استانداردهای آرمانی. حکمرانی توسعه‌گرا زمانی حاصل می‌شود که دولت و نهادهای عمومی و بخش خصوصی، توان پاسخ‌گویی مؤثر به نیازهای توسعه‌ای جامعه از جمله ایجاد اشتغال، رشد اقتصادی، بهبود زیرساخت‌ها و کاهش فقر را داشته باشند؛ حتی اگر در مراحل اولیه توسعه، شاخص‌های دموکراتیک یا شفافیت کامل رعایت نشده باشند (Khan, 2010: 11-14). این نظریه بر «کارآمدی نهادی»<sup>۷</sup> تأکید دارد و اولویت آن توانمندسازی نهادها است، نه صرفاً تحقق دموکراسی یا فسادناپذیری. کشورهای شرق

1 . Good Governance  
 2 . Governance And Development  
 3 . Developmental Governance  
 4 . Mushtaq Khan  
 5 . David Booth  
 6 . Problem-Solving  
 7 . Institutional Effectiveness

آسیا مانند کره جنوبی، تایوان و سنگاپور نمونه‌هایی از اجرای این نظریه هستند که با وجود رعایت ناقص شاخص‌های حکمرانی خوب، موفقیت چشمگیری در تحقق اهداف توسعه ملی داشتند (Leftwich, 2005: 3-7).

**آرایش سیاسی:** مفهوم «آرایش سیاسی» به سازش نوشته یا نانوشته میان نخبگان سیاسی و اقتصادی اشاره دارد که منجر به ثبات نسبی و توزیع قابل پیش‌بینی و کارآمد منابع می‌شود (Khan, 2010: 4-8). اگر این توافق به نفع پروژه‌های ملی توسعه جهت‌دهی شود، ائتلافی توسعه‌گرا شکل می‌گیرد که بر مبنای منافع مشترک اقتصادی، منابع را به شکل بهینه و بر مبنای سیاست‌های صنعتی بلندمدت تخصیص می‌دهد (Booth, 2011: 15).

**مدیریت فساد:** بر خلاف نظریه حکمرانی خوب که حذف کامل فساد را هدف قرار می‌دهد، در حکمرانی توسعه‌گرا موفقیت در توسعه برای کشورهای در حال توسعه به «مدیریت فساد» و هدایت آن به سمت اهداف توسعه‌ای بستگی دارد. این نظریه، فساد را به دو نوع «مخرب» و «قابل تحمل» تقسیم می‌کند و معتقد است در برخی شرایط، فساد خاصی می‌تواند نقش تثبیت‌کننده نظم سیاسی مدافع توسعه را داشته باشد یا انگیزه‌بخش سرمایه‌گذاری باشد، البته مشروط بر اینکه کنترل و هدایت شود (Booth & Unsworth, 2014: 21-24).

**ویژگی‌های بومی و زمینه‌محور حکمرانی:** حکمرانی توسعه‌گرا تأکید دارد توصیه‌های حکمرانی باید بر مبنای شناخت دقیق از نظام قدرت، پیوندهای نهادی، وضعیت گروه‌های ذی‌نفوذ و فرهنگ سیاسی هر کشور ارائه شود. این نظریه تأکید دارد که با فهم زمینه‌های حکمرانی در هر کشور، می‌توان به مجموعه راهکارهایی جهت تقویت پروژه‌های توسعه دست یافت که خاص آن کشور محسوب می‌شوند (Booth, 2011: 18-20). بر این مبنای، بخشی از ویژگی‌های بومی کشورها که در ادبیات نظریه حکمرانی خوب، به عنوان مسئله تعریف می‌شدند می‌توانند به عنوان راه‌حل مدنظر قرار گیرند.

**چارچوب تلفیقی و عمل‌گرا:** این نظریه، چارچوبی تلفیقی و عمل‌گرا ارائه می‌دهد که به ویژه برای کشورهای با منابع طبیعی غنی، ساختارهای قدرت ناپایدار یا نهادهای نوپا مناسب است. در این چارچوب، دستیابی به توسعه نه از طریق دموکراسی سریع یا حذف کامل فساد، بلکه با تقویت ظرفیت نهادی، شکل‌گیری ائتلاف‌های سیاسی توسعه‌ای مؤثر و تمرکز بر اهداف توسعه‌ای قابل اندازه‌گیری ممکن می‌شود (Booth & Unsworth, 2014: 35-40).

**اهمیت تعهد، هماهنگی و همکاری:** در گزارش سال ۲۰۱۷ بانک جهانی در مورد توسعه جهانی، بر سه مولفه تعهد، هماهنگی و همکاری به عنوان پیش‌شرط‌های تحقق اهداف توسعه توجه شده بود (World Bank, 2017). این گزارش، یکی از نمونه گزارش‌های بین‌المللی است که متأثر از نظریه حکمرانی توسعه‌گرا تدوین شده است. بر طبق نظریه حکمرانی توسعه‌گرا، تمرکز بر رفتارها و سیاست‌های عملی (سیاست‌های اعمالی) نخبگان سیاسی برای سنجش میزان تعهد آنها به اهداف توسعه‌ای مهمتر از سیاست‌های اعلامی آنها است. بانک جهانی تأکید می‌کند که تعهد واقعی حکمرانان برای جلوگیری از رفتارهای خودمحورانه و بحران‌ساز مانند آنچه دولت‌هایی زیمبابوه و عراق در طول دهه‌های ۹۰ میلادی تا اوایل دهه ۲۰۰۰ انجام دادند، ضروری است (Lane, 2019: 626). از طرف دیگر، هماهنگی در حکمرانی توسعه‌گرا چندوجهی است و می‌تواند به هماهنگی کلان اقتصادی یا هماهنگی میان سطوح مختلف دولت اشاره داشته باشد. تحقق هماهنگی عملی بسیار دشوار است اما حرکت در مسیر هماهنگی در اولویت‌های اصلی توسعه، شرط ضروری است. سومین مولفه، مساله همکاری است. رشد اقتصادی مستلزم دسترسی به منابع مالی و نهادی است، اما تعارضات سیاسی و اجتماعی مانند تضاد میان سرمایه و نیروی کار یا رقابت مخرب احزاب سیاسی می‌تواند

1 . Political Settlement

۲ . Developmental Coalitions. برای مطالعه بیشتر در این مورد، رک: Attar And Kazemi, 2017

۳ . برای مطالعه بیشتر مفهوم آرایش سیاسی، بنگرید: Dehdar And Kazemi, 2025

4 . Harmful Corruption

5 . Tolerable Corruption

۶ . برای مطالعه بیشتر در این مورد، رک: Chang, 2023: 245-251

مانع اجرای سیاست‌های توسعه‌ای شود. اینکه بر اساس ساخت نهادی و تجربه تاریخی، بتوان راه‌حلهای عملی و موثری برای مدیریت تعارضات پیدا کرد و نوعی از همکاری عملی را در حوزه‌های مورد تعارض ایجاد کرد، تحقق اهداف توسعه را ممکن می‌کند (Lane, 2019: 625-627).

### ویژگی‌های حکمرانی اماراتی

نظام حکمرانی امارات متحده عربی ترکیبی از یک ساختار فدرال و دولت‌های محلی در هفت امارت تشکیل‌دهنده آن است. حدود اختیارات، وظایف و مسئولیت‌های نهادهای حاکم و رهبران سیاسی، بر مبنای قانون اساسی این کشور تعریف و تنظیم شده‌اند. شیخ محمد بن زاید آل نهیان، به‌عنوان رئیس دولت امارات متحده عربی، در رأس هرم قدرت قرار دارد. همچنین، شیخ محمد بن راشد آل مکتوم، معاون رئیس دولت و نخست‌وزیر، ریاست قوه مجریه را در سطح فدرال بر عهده دارد (UAE Government, 2025). بر اساس عرف سیاسی، حاکم ابوظبی رئیس کشور و رئیس دولت فدرال، و حاکم دبئی نخست‌وزیر و رئیس دولت اجرایی است. شورای عالی فدرال متشکل از حاکمان هفت امارت عضو است. این شورا، وظیفه انتخاب رئیس‌جمهور و نخست‌وزیر برای دوره‌های پنج‌ساله که قابل تمدید هستند را بر عهده دارد. قوه مقننه فدرال کشور در قالب شورای ملی فدرال عمل می‌کند که نهادی تک‌مجلسی و متشکل از ۴۰ عضو است. در حالی که نیمی از اعضای مجلس توسط حاکمان هفت امارت منصوب می‌شوند (ابوظبی و دبئی هر کدام ۸ کرسی؛ شارجه و رأس‌الخیمه هر کدام ۶ کرسی؛ عجمان، ام‌القوین و فجیره: هر کدام ۴ کرسی) و از قدرت سیاسی مؤثر برخوردارند، نیمی دیگر از طریق انتخابات با مشارکت اعضای کالج انتخاباتی که توسط حاکمان هفت امارت منصوب می‌شوند، برای دوره‌های دو ساله انتخاب شده و عمدتاً نقش مشورتی دارند. شورای عالی فدرال اختیار تصویب نهایی تمام قوانین فدرال را برعهده دارد (Mauder, 2025). با این حال، از سال ۲۰۰۶ و با معرفی سیستم «کالج انتخاباتی»، تلاش‌هایی برای افزایش مشارکت شهروندان در فرآیندهای سیاسی آغاز شده است. این اصلاحات موجب شد میزان دخالت نخبگان و برخی شهروندان منتخب در روندهای مشورتی و قانون‌گذاری افزایش یابد. آخرین انتخابات در اکتبر ۲۰۲۳ برگزار شد که بر اساس قانون، ۵۰٪ کرسی‌ها به زنان اختصاص یافت (Department of Foreign Affairs and Trade, 2025). این شورا می‌تواند پیش‌نویس قوانین فدرال را بررسی، بودجه سالانه را بررسی کرده و وزرا را برای پاسخگویی احضار کند (Executive Affairs Authority, 2025). قوه قضاییه فدرال امارات نهادی مستقل و بر اساس قانون اساسی است و شامل دیوان عالی فدرال نیز می‌باشد. شورای عالی فدرال پنج قاضی این دیوان، از جمله رئیس آن را، منصوب می‌کند (Forum of Federations, 2022). به طور کلی، نظام قضایی امارات بر پایه قانون اساسی ترکیبی از اصول شریعت اسلامی و حقوق مدرن است و سه سطح دارد: ۱- دادگاه عالی فدرال؛ رسیدگی به دعاوی میان امارات و تخلفات علیه دولت؛ ۲- دادگاه‌های بدوی؛ دعاوی مدنی، اداری، تجاری؛ و ۳- دادگاه‌های محلی؛ رسیدگی به اختلافات جزئی در سطح امارات (Mauder, 2025). قانون اساسی، چارچوب کلی نظم سیاسی و سازمان حکومتی کشور را تعیین می‌کند. این سند اهداف بنیادین تأسیس فدراسیون و مأموریت‌های آن را در سطوح محلی و منطقه‌ای ترسیم کرده و اصولی چون برابری حقوق، فرصت‌های برابر، امنیت و عدالت اجتماعی را برای تمامی شهروندان تضمین می‌کند (UAE Government, 2024). امارات متحده عربی، به‌عنوان یک فدراسیون متشکل از هفت امارت، ساختار حکمرانی منحصر به فردی دارد که در آن هر امارت توسط حاکمی موروثی اداره می‌شود و از اختیارات قابل توجهی در زمینه‌های مختلف برخوردار است. در حالی که قانون اساسی که از تاریخ ۲ دسامبر ۱۹۷۱ به‌طور موقت به اجرا درآمد و در مه ۱۹۹۶ به‌صورت دائمی تصویب شد، به دولت فدرال اختیارات وسیعی مانند مدیریت روابط خارجی، امور دفاعی و امنیتی، آموزش، بهداشت عمومی و ارتباطات اعطا کرده، اما عملاً نظام سیاسی کشور به‌صورت نسبتاً غیرمتمرکز اداره می‌شود. این نظام غیرمتمرکز، علی‌رغم تمرکز ظاهری قدرت، موجب تضعیف ثبات سیاسی نشده و از زمان استقلال کشور، امارات از ثبات بالایی برخوردار بوده‌اند. حاکمان محلی در قلمرو خود در زمینه‌هایی همچون درآمدهای نفتی، نظام حقوقی و برخی سیاست‌های

اقتصادی، دارای استقلال گسترده‌ای هستند. قانون اساسی کشور که ترکیبی از عناصر سنتی و نهادهای مدرن است، نوعی سازش میان امارت‌های طرفدار تمرکز قدرت و آنهایی که به حفظ خودمختاری اصرار دارند، فراهم کرده است (Forum of Federations, 2022). بر اساس قانون اساسی، هر امارت عضو فدراسیون؛ مسئول تمامی حوزه‌هایی است که به طور مستقیم در صلاحیت فدراسیون قرار نگرفته‌اند. همچنین، همه امارت‌ها وظیفه دارند برای حفظ انسجام قانونی، قوانین خود را تا حد امکان با یکدیگر هماهنگ کرده و در مسیر یکپارچگی قانون‌گذاری همکاری کنند (Ministry of Cabinet Affairs, 2025).

### حکمرانی توسعه‌گرای اماراتی: توسعه بر مدار الزامات ملی

اینکه حکمرانی در امارات با کدام یک از الگوهای نظام حکمرانی قابل تطبیق است، مسئله‌ای است که نیاز به پژوهش‌هایی است که در هر کدام از آنها، میزان انطباق یا عدم انطباق نظام حکمرانی این کشور با این نظریات بررسی شوند. در این قسمت، نشان خواهیم داد که چرا نظام حکمرانی اماراتی را می‌توان نظام حکمرانی توسعه‌گرا دانست. برای بررسی این مساله، ۶ اصل نظریه حکمرانی توسعه‌گرا با واقعیت‌های این کشور تطبیق داده شده‌اند.

**۱. مدیریت حل‌المسائلی:** در نظریه حکمرانی توسعه‌گرا، تأکید اصلی بر توانمندی نهادها برای پاسخ‌گویی عملی و حل مشکلات توسعه‌ای جامعه است، نه صرفاً پیروی از معیارهای ایده‌آل یا آرمانی. به عبارت دیگر، حکمرانی موفق زمانی محقق می‌شود که دولت و دیگر بازیگران، فارغ از کمال‌های مطلوب ذهنی، بتوانند به صورت کارآمد به نیازهای اساسی مردم پاسخ دهند و توسعه اقتصادی و اجتماعی را تسریع کنند. ساختار تصمیم‌گیری در امارات بر پایه توزیع فدرالی قدرت و اقتدار سیاسی تثبیت شده عمل می‌کند که به نخبگان حاکم امکان داده تا بدون مواجهه با موانع ناشی از فرآیندهای دموکراتیک پیچیده، سیاست‌های سریع و مؤثری در پاسخ به چالش‌های توسعه‌ای اتخاذ کنند. بومی بودن ساختار سیاسی کشور (نوعی فدرالیسم سنتی و بومی) در کنار ارتباطات گسترده سیاسی مقامات امارات با افراد و نهادهای خارجی و سازمان‌های بین‌المللی باعث شده تا دولت این کشور خصلتی بومی-بین‌المللی پیدا کند. علیرغم کمبود معیارهای دموکراسی در این کشور، همین ویژگی بومی-بین‌المللی بودن باعث شده تا دولت بتواند سیاست‌های خود را در انطباق با نیازهای ملی و بین‌المللی کشور تنظیم کند. با اینکه ارزیابی این اصل کیفی با معیارهای دقیق کیفی ناممکن است اما می‌توان از طریق برخی نشانه‌ها و شاخص‌ها، رویکرد مسئله محور بودن دولت امارات را مشاهده کرد. از سندهای توسعه‌ای این کشور مانند «چشم‌انداز ۲۰۲۱»<sup>۱</sup> و در ادامه «چشم‌انداز ۲۰۲۱»<sup>۲</sup> که با تمرکز بر گذار به اقتصاد غیرنفتی (مهمترین مساله دهه ۲۰۰۰ کشور) و توسعه کشور در حوزه‌های متنوع از جمله نوآوری، هوش مصنوعی، آموزش و دولت دیجیتال ترسیم کرده (UAE Government, 2010; UAE Government 2023a) تا تأسیس نهادهای جدیدی مانند وزارت هوش مصنوعی و اداره آینده‌نگری (حل مساله ضعف تکنولوژیک کشور) و شورای رقابت‌پذیری جهانی (حل مساله ضعف شرکتها در رقابت‌پذیری)، بخشی از تلاش‌های ساختاری دولت این کشور برای عبور از الگوهای سنتی و تمرکز بر مسئله‌محوری برای تقویت توسعه کشور هستند. همچنین، بررسی وضعیت شاخص کارآمدی دولت‌آدر امارات متحده عربی طی بیش از دو دهه، بیانگر تقویت مستمر کارآمدی نهادی و توانمندی اجرایی دولت است. امتیاز این شاخص از ۰٫۷۵ در سال ۲۰۰۰ به ۰٫۷۲ (۲۰۰۵)، ۰٫۹۲ (۲۰۱۰)، ۱٫۵۰ (۲۰۱۵)، ۱٫۲۹ (۲۰۲۰) و در نهایت ۱٫۶۰ در سال ۲۰۲۳ افزایش یافته است (World Bank, 2023). این رشد، نشان می‌دهد که امارات با تمرکز بر حل مسائل عملیاتی در حوزه حکمرانی، توانسته عملکرد دستگاه‌های دولتی را بهبود بخشد. یا در نمونه‌های دیگر، شاخص آزادی اقتصادی<sup>۳</sup> که نشان‌دهنده وضعیت تجارت آزاد، امنیت سرمایه‌گذاری، و مقررات‌زدایی است، شاهد دیگری از ثبات و پویایی محیط اقتصادی است که دولت امارات ایجاد کرده است. وضعیت این شاخص در طول بیش از دو دهه

1 . Vision 2021

2 . UAE Centennial 2071

3 . Government Effectiveness

4 . Index of Economic Freedom

عبارت بوده از: ۷۴،۲ (۲۰۰۰)، ۶۵،۲ (۲۰۰۵)، ۶۷،۳ (۲۰۱۰)، ۷۲،۴ (۲۰۱۵)، ۷۶،۲ (۲۰۲۰) و ۷۱،۱ در سال ۲۰۲۴ (The Heritage Foundation, 2025). هرچند این شاخص، با نوساناتی همراه بوده اما میانگین وضعیت امارات در همه این سالها، بالا بوده است که نشان‌دهنده انعطاف‌پذیری دولت در تنظیم سیاست‌های اقتصادی و حفظ محیطی نسبتاً آزاد برای فعالیت‌های بازار است. به طور کلی، این داده‌ها نشان می‌دهند که امارات با تکیه بر اثربخشی عملی نهادهای دولتی و تمرکز بر مسائل واقعی کسب و کارها که به عنوان نمونه در کاستن از مقررات دست و پاگیر و مانع فعالیت‌های اقتصادی نمود پیدا می‌کند، توانسته به تقویت توسعه کشور اقدام کند.

**۲. آرایش سیاسی:** آرایش سیاسی به وجود اجماع نسبی و پایدار میان نخبگان سیاسی و اقتصادی اشاره دارد که ثبات و همکاری لازم برای پیشبرد پروژه‌های توسعه‌ای را فراهم می‌کند. این توافق پایه‌ای است که ائتلاف‌های توسعه‌گرا بر آن شکل می‌گیرند و منابع را به صورت هدفمند به سیاست‌های صنعتی و توسعه‌ای تخصیص می‌دهند. در امارات متحده عربی، این اصل در ساختار حکمرانی فدرال و تعامل میان هفت امارت عضو فدراسیون مشاهده می‌شود. پس از تأسیس فدراسیون در سال ۱۹۷۱، امارات با ایجاد شورای عالی حاکمان، که متشکل از حاکمان هفت امارت بود، ساختاری را بنیان نهاد که در آن تصمیم‌گیری‌های کلان با اجماع این شورا صورت می‌گیرد. در ساختار حکمرانی امارات، حاکم ابوظبی به طور سنتی به عنوان رئیس‌جمهور و حاکم دبی به عنوان نخست‌وزیر و رئیس کابینه ایفاء نقش می‌کنند. این تقسیم قدرت نانوشته، نوعی توافق سیاسی بر محور ثبات (حفظ قدرت در درون خاندان حاکم و جلوگیری از نزاع‌های سیاسی) و توسعه میان دو امارت اصلی فدراسیون است که به توسعه اقتصادی کشور کمک کرده است (BTI, 2024). علاوه بر این، همان‌طور که در بخش قبلی اشاره شد، هر امارت دارای سطحی از خودمختاری در امور داخلی خود است، اما در مسائل فدرال، تصمیم‌گیری‌ها بر اساس اجماع صورت می‌گیرد. این مدل حکمرانی، که ترکیبی از سنت‌های قبیله‌ای و ساختارهای مدرن است، به ایجاد ثبات سیاسی و پیشرفت اقتصادی در امارات کمک کرده است (GlobalSecurity, 2025). برای فهم آرایش سیاسی که این هم شاخصی کیفی است، می‌توان وجه سلبی آن را در نظر گرفت و مثلاً وضعیت ثبات سیاسی و خشونت را بررسی کرد. در امارات شاخص ثبات سیاسی و فقدان خشونت که دامنه آن از -۲٫۵ (بی‌ثبات‌ترین) تا +۲٫۵ (بائبات‌ترین) است، روندی نزولی از ۱٫۰ در سال ۲۰۰۰ تا ۰٫۸ در سال ۲۰۱۰ تا ۰٫۶ در سال ۲۰۲۰ و سپس اندکی افزایش به ۰٫۷ در سال ۲۰۲۳ را نشان می‌دهد (World Bank, 2023). با وجود اینکه امارات در این شاخص، جزء کشورهای دارای ثبات سیاسی نسبی و خشونت پائین است اما این داده‌ها نمایانگر کاهش نسبی ثبات سیاسی و افزایش نگرانی‌های مربوط به خشونت یا ناآرامی‌های سیاسی در طول دو دهه اخیر است. هرچند بخش مهمی از این مساله، مربوط به ناآرامی‌های در منطقه از بهار عربی در انتهای سال ۲۰۱۰ تا نزاع‌های منطقه‌ای بوده (نه منازعات سیاسی داخلی) اما همین محیط خارجی بی‌ثبات بر ثبات سیاسی در داخل کشور نیز تاثیر گذاشته است. چنین روندی می‌تواند چالش‌هایی برای ایجاد و حفظ ائتلاف‌های توسعه‌گرا و توافق‌های سیاسی پایدار ایجاد کند که از اصول بنیادین نظریه حکمرانی توسعه‌گرا محسوب می‌شود. همچنین، شاخص آزادی در جهان که وضعیت حقوق سیاسی و آزادی‌های مدنی را اندازه‌گیری می‌کند، نشان می‌دهد که امارات در سال ۲۰۱۷، ۷ امتیاز از ۴۰ در بخش حقوق سیاسی کسب کرده و در رتبه ۲۰ از ۱۰۰ قرار داشته است. این شاخص در سال ۲۰۲۰ به ۵ امتیاز و رتبه ۱۷ و در سال ۲۰۲۴ نیز به همان ۵ امتیاز و رتبه ۱۸ کاهش یافته است (Freedom House, 2024). این داده‌ها نشان‌دهنده وضعیت نامناسب آزادی‌های سیاسی و کاستی شاخص‌های حوزه حقوق سیاسی است که می‌تواند با ورود بازیگران جدیدی که در طول دو دهه گذشته از مواهب محیط مساعد اقتصاد کلان استفاده کرده‌اند به عرصه سیاسی، چالش‌هایی برای توافقات سیاسی و ائتلاف‌های توسعه‌گرا سابق ایجاد کند. در مجموع، روندهای مشاهده شده در این شاخص بیانگر آن است که ثبات سیاسی و آزادی‌های سیاسی در امارات طی دوره مورد بررسی، محدود و تا حدی رو به کاهش بوده‌اند، که می‌تواند بر تحقق اصل آرایش و توافق سیاسی در

1 . Political Stability and Absence of Violence

2 . Freedom in the World

چارچوب نظریه حکمرانی توسعه‌گرا اثرگذار منفی بگذارد. اینکه چگونه می‌توان با استفاده از ظرفیت سنت‌های بومی امارات، توافق‌های سیاسی بزرگتری را تدارک دید (با حضور نسل جدید اماراتی‌ها) بدون آنکه ثبات کشور و مسیر توسعه آن تهدید شود، موضوعی است که نظام حکمرانی مسأله‌محور امارات باید به آن پاسخ دهد. به هر حال، این مسأله یکی از چالش‌های آینده دولت امارات خواهد بود.

**۳. مدیریت فساد:** در حکمرانی توسعه‌گرا، به جای تلاش برای حذف کامل فساد، بیشتر بر مدیریت و هدایت آن تمرکز می‌شود تا فساد بتواند کمترین آسیب را به فرایندهای توسعه‌ای وارد کند و حتی در برخی شرایط، نقش مثبتی در حفظ نظم و تشویق سرمایه‌گذاری ایفا نماید. در نظریه حکمرانی توسعه‌گرا، حذف کامل فساد در مراحل اولیه توسعه یک ضرورت نیست بلکه آنچه اهمیت دارد، مدیریت فساد در قالب تقسیم‌بندی فسادهای مخرب و فسادهای قابل تحمل است. بررسی تجربه امارات متحده عربی نشان می‌دهد که این کشور موفق شده با ساختار اداری متمرکز، اقتدار حاکمان و نظارت موثر بالا به پایین، نوعی نظام مدیریت فساد را بنا کند تا اجازه ندهد فساد به مانعی برای رشد اقتصادی و ثبات سیاسی تبدیل شود (Booth & Unsworth, 2014). در امارات، به‌رغم وجود برخی گزارش‌ها از فساد در سطوح پایین، سطح فساد کلان<sup>۱</sup> پایین نگه‌داشته شده است. این وضعیت تا حدی به دلیل آن است که حاکمان اماراتی، مشروعیت سیاسی خود را نه از مشارکت دموکراتیک، بلکه از کارآمدی دولت، رفاه اقتصادی و رضایت عمومی همزمان با سنت‌های عشیره‌ای (که بر پاک‌دستی و حفظ حق‌الناس تأکید زیادی دارد) می‌گیرند. بنابراین، حفظ اعتماد عمومی از طریق کنترل فساد، به‌دغدغه مهم حاکمان بدل شده است (BTI, 2024). به عنوان نمونه ابوظبی و دبی، دو مرکز اصلی اقتصادی کشور، سازوکارهای دقیقی برای نظارت مالی، گزارش‌گری شفاف پروژه‌ها و مجازات سریع تخلفات اداری ایجاد کرده‌اند. در مواردی خاص، دولت با شدت برخورد کرده و مقامات فاسد را از کار برکنار یا محاکمه کرده است (Abu Dhabi Accountability Authority, 2025; Government of UAE, 2025). همچنین، قوانین ضدپول‌شویی و اصلاحات جدید در سیستم بانکی، با هدف مقابله با فساد ساختاری و تطبیق با استانداردهای جهانی اعمال شده‌اند (IMF, 2023). همه این تلاش‌ها بر بستر سیاسی نظام خاندانی انجام شده که در عمل به معنای تسلط چند خاندان بر منابع قدرت و ثروت کشور است. داگلاس نورث و همکاران (۱۴۰۳)<sup>۲</sup> به خوبی توضیح داده‌اند که در نظام‌های دسترسی محدود، ائتلاف میان نخبگان می‌تواند هم از خشونت جلوگیری کند و هم با مدیریت فساد در حد قابل قبول، بسترهای لازم برای توسعه کشور را تا حد ممکن فراهم کند. در امارات، این به معنای مدیریت فساد و حرکت به سمت توسعه در عین حفظ نظام خاندانی است. موفقیت این نظام را می‌توان در داده‌های مربوط به شاخص کنترل فساد<sup>۳</sup> مشاهده کرد که دامنه آن از ۲٫۵ - (ضعیف‌ترین کنترل فساد) تا ۲٫۵ + (بهترین کنترل فساد) است. این شاخص در سال ۲۰۰۰ مقدار ۰٫۱۰، در ۲۰۰۵ به ۰٫۹۹، در ۲۰۱۰ برابر ۰٫۸۹، در ۲۰۱۵ به ۱٫۰۳، در ۲۰۲۰ به ۱٫۰۸ و در سال ۲۰۲۳ نیز ۱٫۰۷ بوده است (World Bank, 2023). این اعداد نشان‌دهنده روند نسبتاً مثبت و پایدار در مدیریت فساد در امارات است. همچنین، این کشور در شاخص ادراک فساد<sup>۴</sup> امتیاز ۶٫۲ از ۱۰ در سال ۲۰۰۵ داشته و رتبه ۳۰ از میان ۱۵۸ کشور را کسب کرده است. این امتیاز در سال ۲۰۱۰ به ۶٫۳ ارتقا یافته و رتبه آن به ۲۸ از ۱۷۸ کشور بهبود پیدا کرده است. در سال ۲۰۱۵، شاخص با تغییر مقیاس به ۷۰ از ۱۰۰ و رتبه ۲۳ از ۱۶۸ کشور، در سال ۲۰۲۰ به ۷۱ از ۱۰۰ و رتبه ۲۱ از ۱۸۰ کشور و در سال ۲۰۲۴ به ۶۸ از ۱۰۰ و رتبه ۲۳ از ۱۸۰ کشور تغییر یافته است (Transparency International, 2024). این داده‌ها نشان‌دهنده تثبیت و تا حدی بهبود وضعیت ادراک فساد در امارات است. در مجموع، روند این شاخص‌ها نشان می‌دهد که امارات در مدیریت فساد پیشرفت قابل توجهی داشته است؛ اگرچه شاخص‌ها حاکی از وجود فساد قابل تحمل هستند، اما دولت این کشور توانسته آن را در سطحی مدیریت کند که به فرآیند توسعه کشور آسیب وارد نکند. این نتایج با مبانی نظری حکمرانی توسعه‌گرا همخوانی دارد که بر مدیریت هوشمندانه فساد به جای حذف کامل آن تأکید دارد. تقریباً می‌توان با قطعیت گفت که به

1. Grand Corruption  
2. North Et Al., 2024  
3. Control Of Corruption  
4. Corruption Perceptions Index

دلیل نظام خاندانی حاکم بر امارات، همیشه سطحی از فساد در این کشور وجود خواهد داشت که این مسئله نیز به دلیل باقی ماندن نظام خاندانی در این کشور، می‌تواند به چالشی برای توسعه این کشور در آینده تبدیل شود.

**۴. حکمرانی ریشه‌دار:** نظریه حکمرانی توسعه‌گرا تأکید می‌کند که سیاست‌گذاری و نهادسازی باید متناسب با زمینه‌های تاریخی، فرهنگی، و ساختار قدرت بومی هر کشور انجام شود؛ نه بر اساس نسخه‌های از پیش تعیین شده بین‌المللی. ساختار حکمرانی در امارات نه بر مبنای دموکراسی انتخاباتی، بلکه بر اساس سنت‌های قومی و پیوندهای شخصی میان رهبران و جامعه طراحی شده است. ریشه‌های خاندانی مشروعیت سیاسی در امارات، به جای آنکه مانع توسعه باشد، به دلیل انسجام اجتماعی، اعتماد عمومی و تمرکز قدرت همزمان با توزیع فدرالی-بومی، بستری برای توسعه سریع اقتصادی فراهم کرده است (Davidson, 2009: 48-52).

با این حال به جز چند نمونه، تقریباً تمام کشورهایی که توانسته‌اند به سطح بالایی از توسعه دست پیدا کنند، سیستم سیاسی پشتیبان آزادی در حوزه‌های مختلف داشته‌اند. اهمیت آزادی برای توسعه، به دلیل نقشی است که در ایجاد فرهنگ نوآوری فردی و گروهی دارد. به خصوص در نهادها و شرکت‌های مرتبط با دولت، این مساله می‌تواند به چالشی برای کارآمدی نهادهای دولتی و وضعی برای نقش موثر آنها برای پیشبرد توسعه کشور تبدیل شود. به دلیل فضای تقریباً بسته سیاسی امارات، این کشور با ضعف فرهنگ نوآوری مواجه است که می‌تواند آینده توسعه این کشور را به مخاطره بیندازد (Abuzanjel and Bashir, 2024). از سوی دیگر، دولت امارات از منابع مالی حاصل از نفت برای تقویت «قرارداد اجتماعی» خاص خود بهره برده است؛ به گونه‌ای که در ازاء وفاداری سیاسی و مشارکت در قالب یک نظام خاندانی، رفاه اقتصادی، خدمات عمومی رایگان، و فرصت‌های شغلی و رفاهی گسترده به شهروندان ارائه می‌شود (Gray, 2011: 40-44). این الگوی بومی حکمرانی که در آن نهادهای قدیمی (سنت عربی-اماراتی در اداره جامعه) و نهادهای جدید با جهت‌گیری بین‌المللی در نظامی همگون در کنار هم قرار گرفته‌اند، به دولت اجازه داده تا هم در حفظ ثبات سیاسی موفق باشد و هم با هدایت جامعه به سمت پروژه‌های ملی، اهداف توسعه‌ای را پیگیری کند. امارات برخلاف بسیاری از کشورهای در حال توسعه، توصیه‌های بین‌المللی را گزینشی و بر اساس ملاحظات بومی اجرا می‌کند (UAE Government, 2023b). به عنوان نمونه، در اجرای سیاست‌های مرتبط با دولت الکترونیک و توسعه اقتصاد دانش‌بنیان، کشور از تجارب جهانی مانند طراحی خدمات دیجیتال یکپارچه بهره گرفته، اما آن‌ها را با اقتضائات بومی نظیر تنوع جمعیتی، اولویت ثبات سیاسی و ساختار تمرکزگرای قدرت تطبیق داده است. مثال بارز آن، سامانه «UAE PASS» است که با یکپارچه‌سازی بیش از ۵۰۰۰ خدمت عمومی و خصوصی، به گونه‌ای طراحی شده که ضمن سهولت دسترسی برای تمام ساکنان (از جمله کارگران خارجی)، امکان کنترل و نظارت مرکزی دولت را نیز حفظ می‌کند (UAE Government, 2022). همچنین، سیستم پرداخت الکترونیک «e-Dirham» که در اوایل دهه ۲۰۰۰ راه‌اندازی شد، با ساختاری ساده و قابل اجرا برای اقشار مختلف جامعه، هم کارآمدی در بخش مالی امارات را افزایش داد و هم مانع از ظهور شبکه‌ای از افرادی شد که پیش از این، می‌توانستند با استفاده از ارتباطات سیاسی، به منابع مالی دسترسی داشته باشند و ثبات نظام سیاسی را تهدید کنند (World Bank, 2014). در حوزه اقتصاد دانش‌بنیان نیز، توسعه پروژه‌هایی چون مدل هوش مصنوعی عربی Falcon و ایجاد وزارت هوش مصنوعی، نشانه‌ای از سیاست‌های راهبردی امارات در استفاده از نوآوری جهانی همراه با بومی‌سازی فرهنگی و زبانی آن‌هاست (Reuters, 2024; UAE Government, 2023b). علاوه بر این از سال ۲۰۱۷، امارات دارای یکی از پیشرفته‌ترین قوانین کار در منطقه بوده است. قوانین کار امارات با برخی از استانداردهای سازمان بین‌المللی کار مطابقت دارند. توجه دولت به سنت عربی عدالت باعث شده تا نظام مالیاتی دولت به جای مالیات بر درآمد (که در امارات حق سلب‌نشده نیروی کار دانسته می‌شود اما شکل رایجی از مالیات در نظام‌های مالیاتی سایر کشورهاست)، به سمت مالیات بر مصرف و انواع مالیات‌های غیرمستقیم جهت‌گیری شود. مثلاً دولت در سال ۲۰۱۸، یعنی در اولین سال اخذ مالیات بر ارزش افزوده ۵ درصدی، بیش از ۷٫۴ میلیارد دلار درآمد کسب کرد (Attar and Wahidi, 2025: 54). این موارد نشان می‌دهند که دولت

امارات در قالب یک نظام حکمرانی ریشه‌دار، توانسته بین بهره‌گیری از سیاست‌های بین‌المللی و واقعیت‌های بومی تعادلی مناسبی برقرار کند.

**۵. تقویت نهادها در چارچوب رویکردی عمل‌گرا:** یکی از اصول بنیادین نظریه حکمرانی توسعه‌گرا، تأکید بر رویکرد تلفیقی و عمل‌گرایانه است؛ به این معنا که دستیابی به توسعه نه از طریق دموکراسی سریع یا حذف کامل فساد، بلکه با تقویت ظرفیت نهادی، شکل‌گیری ائتلاف‌های سیاسی توسعه‌ای مؤثر و تمرکز بر اهداف توسعه‌ای قابل اندازه‌گیری ممکن می‌شود. امارات متحده عربی به ویژه پس از دهه ۱۹۹۰، یکی از نمونه‌های عینی این اصل است. در این کشور، به جای اجرای نسخه‌های متعارف دموکراسی‌سازی مبنی بر تاسیس نهادهای انتخاباتی، بر نتایج عملی تاسیس هر نهاد، ایجاد زیرساخت‌های مدرن و کاربردی، تنوع‌بخشی به اقتصاد و افزایش سرمایه انسانی تمرکز شده است. در سطح نهادی، امارات با تقویت ظرفیت نهادهایی چون وزارت امور کابینه و آینده و تاسیس دفاتر استراتژیک و مراکز سیاست‌پژوهی، محیط نهادی کارآمدی برای تصمیم‌سازی علمی و هدف‌محور ایجاد کرده است. در برنامه‌های استراتژیکی چون سند چشم‌انداز امارات ۲۰۲۱ و سند صدمین سالگرد امارات ۲۰۷۱ نیز اهدافی چون رشد اقتصادی مستمر، ارتقای آموزش، تحول دیجیتال و افزایش بهره‌وری نهادهای دولتی در ذیل رویکرد ایجاد زیرساخت‌های نهادی مدرن اما کاربردی برای جامعه امارات تعریف شده‌اند (UAE Government, 2025) که نشان‌دهنده نگاه نهادی و عمل‌گرایانه نخبگان سیاسی امارات است. نکته مهم این است که این نهادها، در درون ساختار غیرانتخابی دولت مستقر شده‌اند، اما به دلیل آنکه ماموریت‌محور تعریف شده‌اند، شایسته‌سالاری در انتخاب افراد رعایت شده است و به صورت دوره‌ای مورد نظارت سخت‌گیرانه قرار می‌گیرند، این نهادها توانسته‌اند رویکرد کارکردی و عمل‌گرایانه خود به سیاست‌گذاری را حفظ کنند و کشور با خطر تورم نهادهای ناکارآمد مواجه نشود (Elhaj, 2019: 6-9). از سوی دیگر، امارات نشان داده که حتی در شرایطی که ساختار سیاسی کشور مشارکت‌محور به معنای غربی آن نیست، می‌توان از طریق هم‌راستا کردن نخبگان سیاسی و اقتصادی، مهار تضادهای درون‌ساختاری، و اجرای پروژه‌های پایه‌ای توسعه، به اجماع سیاسی عملی برای پیشبرد اهداف توسعه‌ای دست یافت (Hertog, 2010: 257-259). مدیریت تغییرات اقلیمی و پایداری زیست‌محیطی، نمونه‌ای از عملکرد موفق امارات از طریق تقویت نهادهاست. امارات متحده عربی چندین سند و برنامه ملی را به این منظور تدوین کرده است؛ تدوین و اجرایی کردن مفاد سند چشم‌انداز امارات متحده عربی ۲۰۱۰، سند دستور کار سبز ۲۰۳۰، برنامه ملی تغییر اقلیم ۲۰۵۰، برنامه کربن خالص صفر امارات ۲۰۵۰، طرح ملی اقلیم ۲، برنامه ملی سازگاری<sup>۸</sup> و چندین سند ملی دیگر که در تمام آنها، ایجاد ظرفیت‌های نهادی مدنظر قرار گرفته است از مهم‌ترین تلاش‌های حقوقی- نهادی امارات متحده عربی در این حوزه بوده است (Attar and Wahidi, 2025: 57). برای اینکه نهادهای یک کشور تقویت شوند، ضروری است تا ابتدا چیزی به نام قانون در کشور وجود داشته باشد و این قانون، به شیوه‌ای منصفانه نوشته شود و به شیوه‌ای برابر نیز در میان همه اجرا شود. در ادبیات تخصصی، این وضعیت را حاکمیت قانون می‌نامند. شاخص حاکمیت قانون<sup>۹</sup> که دامنه‌ای از ۲٫۵- (ضعیف‌ترین وضعیت در حاکمیت قانون) تا ۲٫۵+ (بهترین وضعیت در حاکمیت قانون) دارد، نشان‌دهنده نوساناتی در کیفیت حاکمیت قانون در امارات طی سال‌های ۲۰۰۰ تا ۲۰۲۳ است. این شاخص در سال ۲۰۰۰ مقدار ۰٫۶۶ داشته که تا سال ۲۰۱۰ به ۰٫۳۲ کاهش یافته اما سپس روندی افزایشی را طی کرده و در سال‌های ۲۰۱۵ و ۲۰۲۳ به ترتیب به ۰٫۶۱ و ۰٫۸۸ رسیده است (World Bank, 2023). این تغییرات نشان می‌دهد که امارات با وجود کاهش‌های اولیه در اوایل قرن بیست و یکم، در طول یک دهه اخیر توانسته حاکمیت قانون را

1. UAE Vision 2021
2. UAE Centennial 207
3. UAE Vision 2021
4. Green Agenda 2030
5. National Climate Change Plan 2050
6. UAE Net Zero 2050
7. National Climate Plan
8. National Adaptation Program
9. Rule of Law

تقویت کند و به ثبات نسبی در این زمینه دست یابد. سطح کلی این شاخص در امارات نشان می‌دهد که حاکمیت قانون در این کشور با اینکه هنوز در حد متوسط رو به بالا است اما با چالش‌هایی همچون استقلال قضایی و اجرای قوانین در برخی حوزه‌ها مواجه است. پرسش پیش‌روی نظام حکمرانی امارات این است که چگونه می‌توان با رویکرد تلفیقی بومی-بین‌المللی، وضعیت شاخص حاکمیت قانون را بیش از موفقیت‌های یک دهه اخیر بهبود داد. به هر حال، برای تداوم نظام حکمرانی توسعه‌گرا در امارات این مسئله یکی از چالش‌های آینده دولت این کشور خواهد بود.

**۶. تعهد، هماهنگی و همکاری:** ششمین اصل نظریه حکمرانی توسعه‌گرا، سه‌گانه تعهد سیاسی (به توسعه)، هماهنگی نهادی، و همکاری میان بازیگران متعدد است. رهبری سیاسی ائتلافی امارات به ویژه در سه دهه اخیر، تعهد بلندمدتی به پروژه‌های توسعه‌ای داشته است. با وجود اینکه در خاورمیانه، میزان شعارها از برنامه‌های عملیاتی بسیار بیشتر است، رهبران امارات در عمل در سطح پیگیری مداوم و ایجاد نهادهای پیش‌برنده توسعه و تخصیص منابع در جهت توسعه کشور، اقدامات زیادی انجام داده‌اند. تعهد سیاسی رهبران امارات به توسعه کشور باعث شده تا اقتصاد ۱۰۴ میلیارد دلاری این کشور در سال ۲۰۰۰ به ۵۳۷ میلیارد دلار در سال ۲۰۲۴ (در میان ۳۰ اقتصاد بزرگ جهان) برسد. نسبت ارزش صادرات کالاها و خدمات این کشور به تولید ناخالص داخلی نیز از کمتر از ۴۹ درصد سال ۲۰۰۰ به بیش از ۱۰۸ درصد تولید ناخالص داخلی رسیده است (World Bank, 2025). علاوه بر این، پروژه‌های بلندمدتی مانند شهر مصدر<sup>۱</sup> به‌عنوان الگویی از توسعه پایدار که بیش از دو دهه است به طور مداوم در حال اجراست، یا راه‌اندازی برنامه فضایی امارات، نمونه‌هایی از تعهد عملی رهبران این کشور به باقی‌ماندن این کشور در مدارهای توسعه هستند (Davidson, 2018: 150-152). مدیریت توسعه در امارات با سطح بالایی از هماهنگی در سطوح بین‌نهادی و میان دولت‌های محلی و فدرال همراه بوده است. برخلاف برخی کشورهای منطقه که از تعارضات نهادی و رقابت‌های بوروکراتیک رنج می‌برند، امارات ساختاری نسبتاً متمرکز و منسجم دارد که امکان تنظیم اولویت‌ها، هم‌سویی سیاست‌ها و اجرای مؤثر برنامه‌ها را فراهم کرده است. شورای وزرا، دفاتر سیاست‌گذاری مرکزی و ابزارهایی مانند نظام‌های مدیریت عملکرد<sup>۲</sup> از عوامل کلیدی در ایجاد این هماهنگی هستند (Elhaj, 2019: 10-13). این هماهنگی بین‌نهادی بر بستر نوعی از تعاملات ریشه‌دار سنتی میان بزرگان امارات ممکن شده است. در این کشور، همکاری گسترده‌ای میان نخبگان سیاسی و اقتصادی برای پیشبرد توسعه وجود دارد. شرکت‌های بزرگ خانوادگی در امارات به عنوان موتورهای توسعه ملی تعریف شده‌اند که عموماً در همکاری با دولت ایفای نقش می‌کنند. دولت نیز در تدوین سیاست‌ها، بخش خصوصی را مهمترین منبع مشورتی خود می‌داند. این الگو را می‌توان الگوی تعامل نامید<sup>۳</sup>. ساختار حکمرانی، با وجود اقتدارگرایی، به گونه‌ای تنظیم شده که تضادهای منافع میان دولت، خانواده‌های تجاری و سرمایه‌گذاران به جای برخورد، به همکاری مشترک در اجرای پروژه‌های مهم توسعه کشور بدل شود (Hertog, 2010: 278-280). همین تعهد سیاسی به توسعه کشور و هماهنگی نهادی و فردی میان نخبگان سیاسی و اقتصادی باعث شده تا کیفیت مقررات‌گذاری این کشور در سطح قابل قبولی باشد چرا که زیربنای فکری و عملی افزایش کیفیت مقررات کشور، درک فعالین بخش خصوصی و مدیران نهادهای دولتی از ماهیت قوانین لازم برای کشور و همکاری با یکدیگر در تدوین و اجرای این قوانین است. شاخص کیفیت تنظیم‌گری<sup>۴</sup> که دامنه‌ای از ۲,۵- (ضعیف‌ترین کیفیت تنظیم‌گری) تا ۲,۵+ (بهترین کیفیت تنظیم‌گری) دارد، طی دو دهه اخیر رشد قابل توجهی داشته است. این شاخص که در امارات در سال ۲۰۰۰ نمره ۰,۶۹ داشته تا سال ۲۰۱۰ به ۰,۳۲ کاهش یافته است، اما پس از آن رشد چشمگیری داشته و به ۱,۱۰ در سال ۲۰۱۵ و ۱,۴ در سال ۲۰۲۳ رسیده است (World Bank, 2023). این افزایش قابل ملاحظه بیانگر بهبود توانایی دولت در طراحی و اجرای سیاست‌ها و

1 . Masdar City

2 . Performance Management Systems

۳ . به طور کلی در مناسبات میان دولت و بخش خصوصی، سه الگوی تعارض، ادغام و تعامل وجود دارد. در الگوی اول، رابطه‌ای پرتنش میان دولت و بخش خصوصی به عنوان نهادی مستقل وجود دارد. در الگوی دوم، دولت و بخش خصوصی و فعالین هر دو درهم تنیده و ادغام شده‌اند و در الگوی سوم، روابط این دو در قالب اجرای پروژه‌های مشترک (و عمدتاً توسعه‌ای) به تعادل نسبی می‌رسد. برای مطالعه بیشتر، رک: Attar & Wahidi, 2025.

4 . Regulatory Quality

مقرراتی است که فضای کسب‌وکار و توسعه اقتصادی را تسهیل می‌کند. این روند، تطابق قابل توجهی با نظریه حکمرانی توسعه‌گرا دارد که بر اهمیت چارچوب تلفیقی و عمل‌گرا برای تقویت ظرفیت نهادی و هماهنگی سیاست‌های توسعه‌ای تأکید می‌کند. با این حال، نوسانات اولیه شاخص در طول سالهای دهه ۲۰۰۰، بیانگر چالش‌هایی در بهبود مستمر کیفیت تنظیم‌گری بوده که امارات در طول زمان توانسته آن‌ها را تا حد زیادی مدیریت و بهبود بخشد. در مجموع، امارات نه تنها مؤلفه‌های تعهد، هماهنگی و همکاری را تحقق بخشیده، بلکه آن‌ها را در قالبی بومی در چارچوب حکمرانی توسعه‌گرا به اجرا گذاشته است. این مورد، عینیت یافتن اصل ششم این نظریه در کشور امارات را به خوبی نشان می‌دهد.

### نتیجه‌گیری

از منظر سیاست‌گذاری، امارات نمونه‌ای از حکمرانی زمینه‌محور و بومی‌شده است؛ کشوری که با استفاده از ظرفیت‌های خاص خود و بدون ورود به تعارضات سیاسی شدید، توانسته در حوزه‌هایی مانند دولت الکترونیک، اقتصاد دانش‌بنیان، انرژی‌های تجدیدپذیر و جذب سرمایه‌گذاری خارجی پیش‌تاز منطقه خاورمیانه باشد. در مجموع، تجربه امارات نشان می‌دهد که حکمرانی توسعه‌گرا می‌تواند، بدیل مؤثری برای الگوهای لیبرال-دموکراتیک کلاسیک باشد؛ الگویی که در آن توسعه اقتصادی و ثبات سیاسی، نه از مسیر رقابت آزاد سیاسی، بلکه از طریق مدیریت اقتدارگرایانه اما متکی به سنتهای مشارکت بومی، کارآمدی نهادی و توافق نخبگان تحقق می‌یابد.

### تعارض منافع

متن حاضر فاقد هرگونه تعارض منافع است.

### References

1. Abu Dhabi Accountability Authority. (2025). About ADAA. Retrieved June 02, from: <https://www.adaa.gov.ae/aboutadaa.html>
2. Abuzanjali, A. & Bashir, H. (2024). "Service innovation challenges in UAE government entities: Identification and examination of the impact of organizational size and excellence model implementation," *Journal of Open Innovation: Technology, Market, and Complexity*, 10 (3).
3. Al Hammadi, A. H. Y., & Bin Ahmad, A. R. (2018). "Leadership, Strategic Planning, Organizational Performance and Innovation: A Case of Dubai/ UAE Public Sector". *International Journal Of Management And Information Technology*, 13, 3179-3187.
4. Alhammedi, Abrar, Imad Alsyouf, Concetta Semeraro, Khaled Obaideen (2024), "The role of industry 4.0 in advancing sustainability development: A focus review in the United Arab Emirates", *Cleaner Engineering and Technology*, 18, 1-20.
5. Arab Land Initiative. (2025). United Arab Emirates: Legal and institutional framework and land registration system. Global Land Tool Network (GLTN).
6. Attar, Saeed and Hojjat Kazemi (2017). Political Coalitions and Economic Development. 3 (1), 113-131. [in Persian].
7. Attar, Saeed and Mehrdad Ebrahimiyan NajafAbadi (2022), "The Role of the UAE and Bahrain Normalization with Israel in Reducing Their Water and Agriculture Crises", 19 (74), 273-293. [in Persian].
8. Attar, Saeed & Shafiq Wahidi (2025). *Emirati Development*. Tehran, Iran: Negarestan Andisheh Publishing. [in Persian].
9. Bashiri, Mahboobeh, Somaye Hamidi and Moslem Khosravay Zargaz (2024), "An Exploration of the Pattern and Process of Development in the United Arab Emirates (With Emphasis on Adrian Leftwich's Point of View)", *Scientific Journal Quarterly of Middle East Studies*, 31 (116), 135-153. [in Persian].
10. Booth, D. (2011). "Aid, Institutions and Governance: What Have We Learned?". *Development Policy Review*, 29, 5-26.
11. Booth, D., and Unsworth, S. (2014). "Politically smart, locally led development". Overseas Development Institute.
12. Bresser-Pereira, Luiz Carlos (2019). "Models of the developmental state". *CEPAL Review*, 128.
13. BTI (2024). United Arab Emirates Country Report. BTI UAE.
14. Chang, H.-J. (2023). *Bad Samaritans* [in Persian, trans. by M. Nabavi & M. Shahabi]. Tehran, Iran: Ketab Ameh. [in Persian]
15. Davidson, C. M. (2018). "The Emirates of Abu Dhabi and Dubai: Contrasting Roles in the International System". *Middle East Policy*, 25(3), 33-48.
16. Davidson, C. M. (2009). *Abu Dhabi: Oil and Beyond*. London: Hurst.
17. Dehdar, M. M and Kazemi, H. (2025), "Political Settlement, Institutional Reform & Development: A Critical Assessment of Good Governance Approach Based On Political Settlement Analytical Framework," *Iranian Journal of Public Policy*, 11 (2), 137-155. [in Persian].
18. Department of Foreign Affairs and Trade. (2025). United Arab Emirates country brief. Australian Government.
19. Department of Planning, Monitoring and Evaluation (2017). The developmental state – An exploration of South Africa's National Development Plan (2nd draft). Research Unit, Department of Planning, Monitoring and Evaluation. Pretoria, South Africa.
20. Elhaj, M. (2019). "Strategic planning and government performance in the UAE". *Dubai Policy Review*, 1.
21. Embassy of the United Arab Emirates. (2025). Political system & governance. UAE Embassy in Washington, DC.

22. Executive Affairs Authority (2025). Government in the United Arab Emirates.
23. Focus Economics (2025). UAE economic data & projections. Retrieved May 21, from: <https://www.focus-economics.com/countries/uae/>
24. Forum of Federations (2022). Federal Countries: United Arab Emirates. Forum of Federations.
25. Freedom House (2024). Freedom in the World 2024: United Arab Emirates.
26. Gant, G. F. (2006). "The Concept of Development Administration". *Comparative Public Administration (Research in Public Policy Analysis and Management)*, 257-285.
27. GlobalSecurity (2025). United Arab Emirates (UAE) - Politics. Retrieved June 02, from: <https://www.globalsecurity.org/military/world/gulf/uae-politics.htm>
28. Graeeli, H. , M. Motallebi, H. Abolfazly & H. Hemmatian (2020). Elite Political Culture and Good Governance in TheIslamic Republic Of Iran (Reform Government Case Study). *Contemporary Political Essays*. 10(4)147-174. [in Persian].
29. Gray, M. (2011). A theory of 'late rentierism' in the Arab states of the Gulf. Center for International and Regional Studies, Georgetown University School of Foreign Service in Qatar.
30. Hertog, S. (2010). "Defying the Resource Curse: Explaining Successful State-Owned Enterprises in Rentier States. *World Politics*, 62(2), 261-301.
31. HokmAbadi, S. H. M. A. Falahi and M. Salimifar (2023). The Study of Good Governance Effect on Economic Resilience in the Selected Oil Producing Countries with Emphasis on Corruption Control. *Journal of Iranian Economic Development Analyses*. 9(24), 219-250. [in Persian].
32. IMF (2023). United Arab Emirates: Financial System Stability Assessment. Washington, D.C.: International Monetary Fund.
33. Khan, M. (2010). "Political Settlements and the Governance of Growth-Enhancing Institutions". Research Paper Series on Governance for Growth, SOAS, University of London.
34. Lane, Jan-Erik (2019). "Developmental Governance". *Open Journal of Political Science*, 9, 624-630.
35. Leftwich, A. (2005). "Röitics in Command: Developmental State and the Political Foundations of Economic Transformation". IPPG(Discussion Paper Series).
36. Levi-Faur, D. (2012). *The Oxford Handbook of Governance*. Oxford: Oxford University Press.
37. Maunder, Stephen (2025). Government and politics in the UAE. Expatica
38. Ministry of Cabinet Affairs. (2025) Federal system. UAE Cabinet. Retrieved May 22, from <https://uaccabinet.ae/en/federal-system>
39. Neve, Freddie (2021). Economic and social reform in the UAE: a bid to boost growth and investment. Asia House.
40. North, D., Wallis, J. J., Weingast, B. R., & Barry, S. B. (2024). In the shadow of violence (M. Mirdamadi & M. H. Naeimipour, Trans.). Tehran, Iran: Rozaneh Publishing. [in Persian].
41. OECD (2022). The UAE Government's Approach to Digital Transformation. <https://www.oecd.org/gov/the-uae-government-approach-digital-transformation.pdf>
42. Pourali, Ali, M. A. Falahi and A. A. Naji Meidani (2019). The Effects of Good Governance and Political-Civil Liberties Indices on Environmental Performance Index (EPI): An Analysis of 101 Countries Worldwide. *Journal of Economics and Regional development*, 26(17),63-94. [in Persian]
43. Rahman, M. L (2016). "Governance and Good Governance: A Theoretical Framework". *Public Policy and Administration Research*, 6(10), 40-50.
44. Reuters. (2025). "UAE leans on trade deals for growth as non-oil trade jumps 15% in 2024," February 5.
45. Reuters. (2024). "UAE releases new AI model to compete with big tech", May 13 Reuters.
46. Sadraei, S. S. (2017). An introduction to the theoretical foundations of good governance: A comparative study of governance in the UAE and Bahrain. *International Journal of Nations Research*. 2(19), 23-37. [in Persian].
47. Sustainable Development Solutions Network (2024). Sustainable development report 2024: The SDGs and the UN Summit of the Future. Paris: SDSN.
48. The Heritage Foundation (2025). Index of Economic Freedom: All country scores.
49. Transparency International (2024). Corruption Perceptions Index 2024: United Arab Emirates. Retrieved June 2, 2025, from: <https://www.transparency.org/en/cpi/2024/index/are>
50. UAE Government (2024). About the UAE. The UAE government - Telecommunications And Digital Government Regulatory Authority (TDRA).
51. UAE Government (2023a). UAE Centennial 2071.
52. UAE Government (2023b). The UAE Digital Government Strategy 2025.
53. UAE Government. (2022). UAE PASS: Your national digital identity. UAE Digital Government.
54. UAE Government. (2010). UAE Vision 2021.
55. UAE Government. (2025). The UAE government.
56. UAE Government (2025). Federal Accountability Authority. <https://uae.gov.ae/en/about-the-uae/government/federal-accountability-authority>
57. UAE Government (2025). UAE Vision 2021. Retrieved June 3, 2025, from <https://vision2021.ae/>
58. World Bank (2025). "Exports of goods and services (% of GDP) - United Arab Emirates" World Bank. <https://data.worldbank.org/indicator/NE.EXP.GNFS.ZS?locations=AE>
59. World Bank(2024a). GDP (current US\$) – United Arab Emirates. World Bank.
60. World Bank(2024b). GDP per capita (current US\$) – United Arab Emirates. World Bank.World Bank (2023). Worldwide Governance Indicators: Government Effectiveness – United Arab Emirates.
61. World Bank (2017). "World Development Report 2017: Governance and the Law". World Bank.
62. World Bank. (2014). Transforming Government Services through Digital Tools: The Case of e-Dirham in the UAE. World Bank.
63. Zahiri, M., M. Zayanderoodi & S. A. jalaie (2022). Investigating the Effect of Good Governance on sustainable development of selected countries (OPEC Plus Oil countries group). *The Journal of Economic Studies and Policies*, 9(17), 170-193. [in Persian].